تعریف ثابت منطقی و انواع ثابتات در علوم

شاگرد ۲: تعبیری که در ثابت منطقی به کار می‌برید، غیر از مصطلحش است؟

استاد: بحث ثابتها بحث خیلی پر فایده است. یعنی وقتی شما در هر فضایی وارد شوید، در هر فضایی ثابتها دارید. آن ثابتها مهم هستند. مثلاً در ریاضیات می‌گویید: ثابتهای ریاضی. مثلاً عدد «پی»، یک ثابت ریاضی است. یا عدد فی (?) که نسبت طلایی باشد. یا عدد «e». ثابت های ریاضی متعدد است. به آنها، ثابت ریاضی می‌گویند. در فیزیک می‌روید، می‌گویند ثابت فیزیکی، مثل ثابت جاذبه، ثابت انرژی پلانک. شش ثابت است، بیشتر هم هست. اینها ثابت فیزیکی است.

وقتی به فضای منطق می‌آیید، منطق یعنی ساختاری که خدای متعال به مخلوق ضعیفش که آفریده، داده است، ولی خودش فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»[1]. خودش می‌داند در این چیزی که به بنده‌اش داده، چه کار کرده است! ما خودمان هم نمی‌دانیم چه خبر است. به آن دم و دستگاهی که خداوند متعال به او داده است، می‌گوییم فضای منطق. یعنی فضای ذهن و درک و استنتاج و فهم. یک اقیانوس است. در این فضا، یک ثابتاتی دارید که نوع آن، کارهای ذهن است. افاعیل ذهن است که اگر ذهن نبود، آن افاعیل هم همراه آن نبود. اینها ثابتات است.

شاگرد ۲: مطابَقی هم ندارد؟

استاد: در ذهن می‌تواند داشته باشد.

شاگرد ۲: راه تشخیص آنکه جزو ثابتات هست و صحت دارد و درست است، چیست؟ در خارج با مطابَق آن را می‌سنجیم، در اینجا باید با چه چیزی آن را بسنجیم؟!

استاد: در هر کجا، فضای آن ثابتهای منطقی مختلف می‌شود. مثلاً در فضای منطق گزاره‌ها و منطق جمله‌ها می‌گویند صدق و کذب. جدول صدق و کذب ترتیب می‌دهند. مثلاً یک ثابت منطقی در اینجا این است که می‌گویند این قضیه و آن قضیه. این واو، یک ثابت منطقی است. ذهن ما آمده است و بین دو تا جمع کرده است. خُب، حالا همینطور اگر یک قضیه تنها بود، صادق بود. می‌گویید: «انسان ناطق است و شریک الباری موجود است». الآن با واو چه کار کردید؟ این واو، ثابت منطقی است. یعنی ذهن دارد کاری انجام می‌دهد که بین دو جمله جمع می‌کند. خود جمع هم انواعی دارد. اینکه می‌گوییم صورتسازی نکرده‌اند، برای همین است. اول یک واوی و جمعی را آورده‌اند و بعد می‌گویند این یعنی آن. خُب، شما دارید چند معنای لطیف و نزدیک هم را مخلوط می‌کنید!

منظور اینکه این واو ثابت منطقی می‌شود. خُب، ما به ازای این واو چیست؟ ما به ازاء ندارد. چرا؟! چون این واو یک کار ذهن است. می‌گویید این قضیه و این، با هم هستند. خُب، اگر با هم هستند، پس کاذب است. این جور قبول ندارم. بعد می‌گویید «الانسان ناطق است یا شریک الباری موجود است»، الآن این «یا» یک ثابت منطقی است. الآن که این «یا» را ضمیمه کردید، قضیه صادق است

ای کذب؟ صادق است. چون می‌گویی ای این ای آن. خُب، یکی از آن‌ها دروغ است، ولی یکی از آن‌ها درست است. ای هم دو تا داشتیم، یکی «or» عمومی است و دیگری orx که در آن مباحثه عرض کردم. این‌ها چند تا شد. خیلی زیاد است. شما اگر نحو را به‌عنوان نحو، با دقت‌هایی که در نحو هست، بررسی کنید، پنجاه-شصت ثابت منطقی زیبا پیدا می‌کنید. قبلاً هم عرض کرده بودم اضافه، توصیف، همه، ثابت منطقی است. یعنی اگر ذهن نبود، توصیف نبود؛ بما هو توصیف. در خارج موصوف داریم، اما توصیف نداریم. حمل از ثابت‌های منطقی است. اگر ذهن نبود، حمل نبود. اما مطابَق قضیه که در خارج هست. حمل به‌عنوان حمل یک ثابت منطقی است. اگر ذهن نبود، حمل هم نبود.

شاگرد: اگر بخواهید برای ثابت منطقی تعریفی ارائه بدهید چه می‌گویید؟

استاد: ثابت‌های منطقی، آن چیزهایی است که وقتی در همه‌ی حوزه‌های ذهن بروید، حضور دارد. در اصول می‌گفتند: علم اصول ساری در همه‌ی فقه است. در هر کتابی بروید، خودش را نشان می‌دهد. سرایان دارد. ثابت‌های منطقی به این صورت است. پابند منطقی دون منطقی نیست. یک چیزهایی است که به زبان بند نیست. به ذهن افراد‌ها و فرهنگ‌ها بند نیست. یک چیزهایی است که برای مطلق فضای ذهن است. یک بستری که خداوند متعال به‌عنوان ذهن بشر آفریده است.

شاگرد: مثال‌هایی که زدید، عمل‌های ذهن است، آیا این ثابتات در حوزه‌های درک هم هست یا تنها در حوزه‌ی عمل‌های ذهن است؟

استاد: شاید باشد. این از چیزهایی بود که من فی الجمله راجع به آن فکر کرده‌ام. الآن خیلی چیز روشنی ندارم که خدمت شما عرض کنم. سن ما از این‌ها گذشته است، حال که این‌ها را تصور بدوی کردم، خدمت شما گفتم. اگر آن را مطلب درستی یافتید، ادامه‌ی آن با ذهن شریف خودتان و سن جوانی شما.

این‌که گفتم زبان‌های برنامه‌نویسی نافع است، یکی از نفع‌های آن همین است. یعنی در این زبان های برنامه‌نویسی امروز ذهن شما به وفور با این ثابت‌های منطقی آشنا می‌شود. یعنی خیلی وقت‌ها اگر کار کنید، می‌فهمید که در اینجا چه ثابت‌های منطقی‌ای هست و چطور کار انجام می‌دهند.

شاگرد: این‌که در این ثابتات اختلاف مشاهده می‌کنیم، این نقص ثابتات است یا در تفسیر اشتباه کرده‌اند؟

استاد: خیر؛ تعددش است. بین این‌ها تفاوت است؛ یعنی ثابت‌های بسیار زیادی داریم.

شاگرد: شاید در منطق جدید عکس مستوی را منتج ندانند، مثلاً در اینجا بگویند این انتاج را ندارد.

استاد: با تعریف‌های مختلف و با یک مسیر خاص یک چیز است، مسیر را عوض می‌کنید، چیز دیگری می‌شود. آنچه که ثابت است، تغییر نمی‌کند. شما در جاهای مختلف از یک ثابتی دون ثابت دیگر، استفاده می‌کنید.

شاگرد ۲: منظور از صوری‌سازی چیست؟

استاد: متأسفانه صوری‌سازی درست انجام نشده است. در مقالاتی که منطقدان‌های امروزی دارند، شما چند مقاله در مورد ثابت‌های منطقی می‌بینید و حال این‌که زمانی‌که فرگه شروع کرد، باید این‌ها را اول گفته باشد. او رفت ریاضیات را سامان بدهد، سراغ قضایای اتمی شخصی رفت؛ قضایای شخصیه شد. درحالی‌که اصلاً راه خوبی نبود. لذا منطق موجهات بعدش آمده است. من ِطلبه،

نباید اینها را بگویم، ولی فضای طلبگی است و در مباحثه درد و دل کردن است.

---

[1]. المومنون، آیه‌ی ۱۴.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:12:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 15:26:14 توسط ... .